

مردم از سیاستمداران جلوتر هستند

تجربه نظام پارلمانی در اروپا و ایران
در گفت‌وگو با محمدحسین زارعی
استاد حقوق عمومی

یوسف ناصری

روزنامه نگار



نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی بارفراورد دوم سال ۱۳۵۸ شمسی جایگزین نظام سلطنتی مشروطه و قانون اساسی این نظام سیاسی تازه شکل گرفته، در همان سال در مجلس خبرگان قانون اساسی به تصویب منتخبان مردم رسید و قانون اساسی تهیه شده به رفراندوم گذاشته شد. در این قانون اساسی، نخست‌وزیر منتخب پارلمان، قدرت بیشتری داشت و رئیس جمهوری منتخب مردم، تقریباً حالت تشریفاتی داشت. در گام دوم و در سال ۱۳۶۸ تغییراتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد و پست نخست‌وزیر حذف شد و در چارچوب جدید، دیگر نیاز نبود نخست‌وزیری باشد که مجلس شورای اسلامی، او را انتخاب کند. در شکل جدید نظام سیاسی کشور مارئیس جمهوری منتخب مردم، وزرای پیشنهادی خود را به مجلس معرفی کرده و تلاش می‌کنند برای آنها از مجلس رأی اعتماد بگیرد و کابینه جدید دولت را تشکیل بدهد. در گفت‌وگوی «ایران» با محمدحسین زارعی، استاد حقوق عمومی و دارای دکترای حقوق از دانشگاه منچستر، به صورت مقایسه‌ای، تجربه نظام‌های پارلمانی کشورهای مختلف از جمله نظام پارلمانی بریتانیا و ایران بررسی شده و میزان کارایی برخی پیشنهادها درباره تغییر ساختارها در نظام جمهوری اسلامی ایران به بحث گذاشته شد. گفت‌وگوی ما با دکتر زارعی، مؤلف کتاب‌های «حاکمیت قانون و دموکراسی»، «مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری» و «نقش کمیسیون‌های مجلس در نظارت پارلمانی» را می‌خوانید.

■ محور بحث ما درباره وضعیت نظام‌های پارلمانی در اروپا و ایران است. در عین حال، اساساً حقوق عمومی قواعد مربوط به دولت و حکومت و روابط بین مردم و دولت را بررسی می‌کند. جنابعالی یک مطالعه تطبیقی در خصوص پارلمان‌های مختلف دنیا انجام داده و آن را در قالب یک کتاب قطور منتشر کرده‌اید.

در ابتدای خواهم بدانیم علاقه شما به مطالعات مقایسه‌ای از کجا شروع شد که بالاخره به سمت تألیف این کتاب هم رفتید؟
چطور شد که به این نوع بررسی تطبیقی علاقه مند شده و یک کتاب هم حاصل این مطالعات بوده است؟

آن کتاب محصول پژوهش تطبیقی است و تطبیق می‌تواند روش‌های مختلفی داشته باشد ولی هدف من از نگارش آن کتاب این بود که با نظام پارلمانی کشورهای دیگر آشنا شویم که چگونه تصمیم می‌گیرند، فرآیندهای تصمیم‌گیری آنها چگونه است و نقش کمیسیون‌ها و کمیته‌های داخلی مجلس تا چه اندازه است. هدف این است که با مطالعه تطبیقی، ضعف‌های احتمالی نظام پارلمانی کشورهای مختلف را بشناسیم و همچنین ضعف‌هایی را که نظام پارلمانی و قانونگذاری ما در شناسایی کرده و از تجربه کشورهای دیگر استفاده کنیم. من آن پژوهش را برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انجام دادم و تاجایی هم که من اطلاع دارم خیلی از نمایندگان مجلس در دوره‌های مختلف، از این اثر استقبال کرده‌اند. این کتاب، بیشتر به پارلمان می‌پرداخت و نه به ساختارهای جزئی تر و داخلی تر پارلمان.

یک کتاب دیگر هم با عنوان «نقش کمیسیون‌های داخلی در نظارت پارلمانی» تألیف کردم و آن هم یک مطالعه تطبیقی بود. نتیجه این مطالعه این بود که کمیسیون‌های تخصصی مجلس، نقش مؤثرتری دارند تا کل پارلمان. چرا که در کل پارلمان، معمولاً بحث‌های مطرح شده، سیاسی است و ملاحظات سیاسی و حزبی برجسته است. اما هدف کمیسیون‌های تخصصی مجلس این است که کار کارشناسی

انجام بدهند. عملاً نقش نظارتی کمیسیون‌ها، مؤثرتر است و هم نقش تقنینی‌ها بیش‌تر است. لذا این نوع مطالعات تطبیقی می‌تواند برای مدیریت پارلمان کشور ما، خوب و مؤثر باشد.

■ نظام پارلمانی کشور بریتانیا قدیمی‌ترین نظام پارلمانی جهان است و جنابعالی در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه منچستر همان کشور، دکترای حقوق عمومی دریافت کرده‌اید. در نگاه اول شاید تصور شود که در بریتانیا نظام پارلمانی و نخست‌وزیر وجود دارد ولی تحولات عمیقی در آن کشور رخ داده و این طور نبوده که این کشور در مدت کوتاهی نظام سیاسی خود را مستقر کرده باشد.

اگر جامعه ما از وقایع و تجربیات کشورهای دیگر، شناخت داشته باشد احتمالاً به این باور خواهد رسید که باید با صبر و دقت و عقلانیت حرکت کند. چرا این شناخت در جامعه ما وجود ندارد؟

به نظر من، در این زمینه چند دلیل می‌تواند مؤثر باشد. یک دلیل این است که حکمرانان ما در سطح سیاسی، به تجربه کشورهای دیگر اهمیت زیادی نمی‌دهند. مطالعات پارلمانی یا مطالعات حقوق اساسی و تطبیقی و سیاسی، ممکن است در دانشگاه‌ها انجام شود ولی باید در سطح سیاسی، تقاضای برای آن وجود داشته باشد. یعنی برای مقامات دولتی و نمایندگان مجلس، سیاستمداران و رهبران کشورها، مهم باشد که کشور را بر اساس تجارب کشورهای دیگر و نه الزامات تقلید، اداره کنند. ما اگر در نظام قانونگذاری یا در نظام سیاسی خودمان، نقاط ضعفی داریم مطالعات تطبیقی می‌تواند کمک کند که کشور را بهتر اداره کنیم. منافع ملی این طور اقتضا کند. بنابراین، در سطح کلان باید از این مطالعات و پژوهش‌ها استقبال شود ولی وقتی استقبال نشود، این نوع مطالعات متروک می‌مانند.

از یک طرف نیز، نوعی نگاه منفی نسبت به مطالعات تطبیقی وجود دارد و مخصوصاً بحث‌هایی مربوط به ایرانیزه کردن مفاهیم مطرح است و همچنین تأکید